

Investigating the Government's Inadequacies and Strategic Challenges of the Government Towards the Kurdish Identity with a Look at the Activities of the PJAK Group

Mahdi Tavasoli*, **Mohammad Reza Yazdani Zazerani****

Seyyed Javad Emam jomezadeh***

Abstract

The western regions of Iran as well as its northwest have been a place for various groups with different tendencies to work and act for many years due to different conditions, including socio-political conditions and under the protection of different countries, including Iraqi Kurdistan which has been a place that has endangered the security of the Kurdish regions of Iran. The PJAK group is one of the anti-regime groups that emerged in the early 2000s in the Kurdish regions of Iran under various pretexts, including the formation of a united Kurdistan, the liberation of their activities for the interests of the nature, identity, and interests of the Kurdish people. Due to the special importance and necessity of this category, the present study has addressed this issue with the aim of revealing the central government failures and strategic challenges of the government towards Kurdish identity by looking at the activities of PJAK group using library studies in an analytical-descriptive manner. The results show that after the victory of the Islamic Revolution, the enemies of Iran, including Western countries, especially the United States, have always tried to challenge the system and confront the

* Ph.D Student of Public Policy, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, mth1354@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author), yazdani.mrz@khuif.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, javademam@yahoo.com

Date received: 2023/06/03, Date of acceptance: 2023/07/15



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

crisis through opposition and insurgent groups. In this regard, by exploiting and influencing these groups, colonial governments pursue goals that lead to insecurity in border areas - creating ethnic divisions and divergence. The support of the colonial regimes, especially the United States, for PJAK and other groups to counter Iran's power in the region is one of the reasons that can be deduced after the introduction of Greater Middle East plan. In this Greater Middle East plan, the factor of nationality and ethnicity is considered as a means to reach the goals of the plan, in which most regional conflicts are based on the component of ethnicity and utilitarian management of ethnic conflicts.

Keywords: Keywords: identity, Kurdish people, PJAK group, politics, government strategy.



بررسی نارسائی‌های حکومتی و چالش‌های استراتژیکی دولت در قبال هویت گرد با نگاهی بر فعالیت گروهک پژاک

مهدی توسلی*

محمد رضا یزدانی زازرانی**، سید جواد امام جمعه‌زاده***

چکیده

مناطق غربی و شمال غرب کشور در طول سالیان متمادی به دلایل مختلفی از جمله شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و با دخالت و پشتیبانی کشورهای غربی و نیز همسایگانی چون اقلیم کردستان عراق، مکانی برای تلاش و فعالیت گروه‌ها و گروهک‌های مختلفی با گرایش‌های گوناگون بوده که امنیت مناطق گردنشین ایران را به خطر انداخته‌اند که از آن جمله، گروهک تروریستی پژاک می‌باشد. این پژوهش، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و استفاده از ابزار فیش برداری به منظور گردآوری داده‌ها، در صدد است پاسخی منطقی به این پرسش ارائه کند که نارسائی‌های حکومتی و چالش‌های استراتژیکی دولت در قبال هویت گرد، چه تاثیری بر فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی بویژه پژاک داشته است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون در این زمینه تحقیقات کامل و جامعی صورت نگرفته و پژوهش حاضر از آنجا که به صورت دقیق به تاثیرات سیاست‌گذاری‌های دولت بر فعالیت یک گروهک تروریستی در مناطق غرب و شمال غرب کشور می‌پردازد، جدید و نوآورانه می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضعف در اجرای برخی سیاست‌های

* دانشجوی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، mth1354@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، yazdani.mrz@khuif.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، javademam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

حقوق شهروندی، عدم نگاه جامع‌نگر، در محرومیت قراردادن فرهنگی و اقتصادی مناطقی از کشور، گاهی به ظهور بحران و پیوستن افراد به گروه‌های ناصواب به عنوان راه برون‌رفت از این محدودیت‌ها، می‌انجامد. این موضوع نیز دامنه تبلیغات وسیعی را برای گروه‌هایی همچون پژاک به منظور یارگیری از بین عامه مردم فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: هویت، قوم‌گرُد، گروهک پژاک، سیاست، استراتژی حکومت.

۱. مقدمه

یکی از تبیین‌های رایج قدیمی در مورد شکاف‌های قومی، که البته با توجه به تحولات چند سال اخیر در عرصه‌ی جهانی و شدت‌گیری منازعات قومی و رشد انواع ناسیونالیسم‌های قومی تا حدود زیادی ناکارآمد شد، بحث توسعه نیافتگی است. مطابق این دیدگاه، انواع هویت‌های خاص‌گرایانه قومی، ویژگی یک جامعه توسعه نیافته است و در جریان توسعه‌ی کشور این گونه هویت‌ها به تدریج جای خود را به هویت‌های عام‌گرایانه (ملی) می‌دهند و به عبارت دیگر، توسعه ملی به طور خود به خود به گسترش یک فرهنگ ملی مشترک و به وفاداری‌های ملی به جای فرهنگ‌های قومی و وفاداری‌ها قومی-منطقه‌ای منجر می‌شود.

آنچه در مورد هویت قومی و هویت ملی در اذهان مردم و نخبگان کشور، وجود دارد، این است که «هویت قومی، نمی‌تواند در راستای هویت ملی قرار گیرد» (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۳: ۳). بنابراین، طرز تلقی از هویت قومی، تأکید بر هویت ملی به معنای از بین بردن هویت‌های قومی (یا برعکس) است. اما این تلقی تنها پیش‌دآوری بوده و مبنای علمی ندارد. درست به همین دلیل است که هیچ نظریه‌ای دال بر اینکه هویت قومی در حالت طبیعی آن، مخالف هویت ملی باشد، وجود ندارد (طالبی و کریم‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۵). فلذا چنانچه تبیین مذکور در پرتو تجربه جهانی در نظر گرفته شود، به طور جدی دارای محدودیت است. بر خلاف پیش‌بینی سخن‌گویان مکتب مدرنیزاسیون که توسعه را مترادف با از میان رفتن هویت‌های خاص‌گرایانه می‌دیدند، این گونه هویت‌ها در بسیاری از کشورها و مناطق جهان - حتی در کشورهایی که از میزان مناسبی از توسعه برخوردار شده‌اند - به صورت انواع ناسیونالیسم‌های قومی، بنیادگرایی و... سر بر آورده‌اند. در موارد زیادی، همین هویت‌های خاص‌گرایانه که قرار بود بتدریج در جریان توسعه محو شوند، زمینه‌ساز تجزیه‌ی بسیاری از کشورها و تشکیل کشورهای مستقل جدید شده‌اند. در ایران نیز، با وجود آنکه سهم مولفه‌های ملی در ترکیب هویتی قومیت‌ها مداوم رو به افزایش بوده است، تفاوت‌های قومی از میان نرفته و در مواردی

به سبب دینامیسم روابط گروهی در ایران، حتی جنبه‌هایی از خاص‌گرایی قومی افزایش یافته است (سید امامی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). انواع تبیین‌های تاریخی و روان‌شناختی نیز درباره‌ی مسائل قومی ایران وجود دارد که یا ریشه در رویکرد دیرینه‌گرایی در مطالعات قومی دارند، یا قابل تقلیل به برخی مفروضات این رویکرد می‌باشند؛ از جمله، بحث حافظه تاریخی اقوام در مورد درگیری‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده است. در این بحث چنین فرض می‌شود که وجود منازعات قدیمی همواره عاملی در خاطره‌ی جمعی اقوام برای ایجاد تنش یا شورش علیه حکومت مرکزی خواهد بود.

پژاک یکی از احزاب تروریستی فعال در مناطق کردنشین است که در سالیان اخیر با نفوذ بین شهروندان و انجام عملیات تروریستی سبب ایجاد ناامنی در مناطق شمال غرب کشور گردیده است. این گروه تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و فکری حاکم بر آن و با اتکا به فعالیت‌های تروریستی نظیر به شهادت رساندن شهروندان و نیروهای نظامی و انتظامی، ارتباط با دولت‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران و حمایت از سیاست‌های آنان، فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام و نشر مطالب غیرواقعی و پخش آن در بین شهروندان، قاچاق کالا و انسان و باج‌گیری، امنیت مناطق غرب و شمال غرب کشور را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین بررسی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران علیه اهداف و فعالیت‌های این گروهک تروریستی و تبیین نارسایی‌ها و چالش‌های استراتژیکی دولت، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار می‌باشد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و گردآوری داده‌ها در آن به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری بوده است. هم‌چنین به منظور روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی مبتنی بر شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۳. ادبیات پژوهش

در این بخش از پژوهش به منظور بسط قلمرو اداری، به بررسی ادبیات پژوهش، پیشینه و مبانی نظری پرداخته می‌شود.

۳-۱ تعریف مفاهیم

۳-۱-۱ هویت (Identity)

«هویت» کلمه‌ای عربی است به معنای «یکی بودن با ذات» یا «یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری موردنظر». جرجانی در کتاب التعریفات می‌گوید: «هویت حقیقت مطلقی است که حقایق متعددی را در خود دارد، همانند اشمال هسته بر درخت» (جرجانی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۸). در لغت‌نامه‌های فارسی معانی متعددی برای «هویت» ذکر شده است؛ مانند ماهیت، تشخص، شخصیت، ذات بحت، و هستی و وجود خارجی، آنچه موجب شناسائی شخص باشد. برخی از این موارد از کاربردهای هویت است (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۹: ۳۴۹). همچنین در فرهنگ عمید آمده است: «هویت، حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد» (عمید، ۱۳۷۹ش، ج ۲: ۱۹۸۴).

مفهوم هویت به دو دسته‌ی «هویت فردی» و «هویت جمعی» تقسیم می‌شود که از این میان، هویت جمعی تأکید بر آن دارند که مردم به چه شیوه‌هایی به هم شباهت می‌یابند و چه چیزی به باور عام وجه اشتراک آن‌ها است. هویت جمعی به شیوه‌هایی که به واسطه آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها، و میان افراد و جماعت‌ها است. هویت جمعی عبارتند از: جایگاهی از زندگی اجتماعی که در فرایند اجتماعی شدن حاصل شده و طی آن افراد یک جامعه معمولاً با ضمیر «ما» خود را متعلق و مدیون بدان می‌دانند و در برابر آن نوعی احساس تعهد و تکلیف می‌نمایند برای فهم هویت جمعی موجود در یک کشور، لازم است روی چند بُعد مهم، اساسی و محوری که نقش اصلی در شکل‌دهی به هویت دارند، تأکید شود. این ابعاد عبارتند از: ۱- بستگی جغرافیایی، ۲- بستگی نژادی، قومی، طایفه‌ای، ۳- بستگی قومی و زبانی، ۴- بستگی‌های فکری، دینی، اخلاقی و اجتماعی. به عبارتی دیگر، هویت اجتماعی، درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست. هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی اجتماعی است (حیدرپور گنجه؛ کرمی پور و افراخته، ۱۳۹۸).

۳-۱-۲ سیاست‌گذاری (policy)

دربرگیرنده برنامه‌هایی سیاسی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است (Cochran and Malone, 1995). سیاست‌گذاری به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌هاست اشاره می‌کند (Birkland, 2001:21). درور (Deror) معنای «سیاست‌گذاری» را نوعی آگاهی هوشمندانه در زمینه‌ی انتخاب میان دو راه جایگزین برای اداره‌ی جوامع می‌داند (درور، ۱۹۸۹: ۱۳).

۳-۱-۳ گروه پژاک (PJAK Group)

با نام کامل «پارتی ژبانی نازادی کوردستان» به معنای «حزب حیات آزادی کردستان» که با نام اختصاری پژاک یا PJAK شناخته می‌شود، یک گروه شبه نظامی چپ‌گرا در کردستان ایران (آقایی، ۱۳۹۵: ۶۷) و در واقع، شاخه‌ی ایرانی حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) است که در ۴ آوریل سال ۲۰۰۳ مصادف با روز تولد «عبدالله اوجلان» رهبر پ.ک.ک، در ایران (هم‌زمان با تاسیس شاخه‌های دیگر این حزب در کشورهای ترکیه، عراق و سوریه) راه‌اندازی شد و میدان فعالیت این گروهک، بیشتر در مرز ایران با عراق و ترکیه، منطقه‌ی «قلعه‌رش» در آذربایجان غربی، منطقه اورامانات در کرمانشاه، «ایوان» در ایلام، منطقه‌ی «چهل چشمه» در کردستان و بخش شرقی کوهستان «قندیل» در کردستان عراق می‌باشد (موسوی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۴).

۳-۱-۴ شکاف قومی (Ethnic cleavage)

فاصله و نابرابری‌هایی است که در اعطای امتیازات و حقوق، باعث رابطه‌ی نابرابر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی شده؛ به نحوی که برخی از اقوام آن در سطوح مختلف جامعه یا حذف و یا در حاشیه قرار می‌گیرند (کهنه‌پوش، ۱۳۸۳: ۲۶).

۳-۱-۵ قوم گُرد

گُردها مردمانی اصالتاً ایرانی و پارسی هستند که امروزه در جنوب شرقی ترکیه، شمال و شرق عراق، غرب و شمال‌غربی ایران، جنوب ارمنستان و شرق و شمال سوریه زندگی می‌کنند. گُردها دارای فرهنگی کهن و ریشه‌دار هستند و زبان، ادبیات، افسانه، سرزمین مشخص و... خاص خود را دارند، خود را گُرد می‌دانند و گذشته‌ی مشترک و هویتی خاص برای خود

قائل هستند (کهنه پوش، ۱۳۸۳: ۲۶). نکته شایان توجه اینکه گردها یکی از اقوام قدیمی و ریشه‌دار ایرانی محسوب می‌شوند و زبان کردی جزء زبان‌های اصیل فارسی به شمار می‌رود (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

۳-۲ پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده، پژوهشی که به موضوع نارسایی‌های حکومتی و چالش‌های استراتژیکی دولت در قبال هویت کرد و ارتباط آن با فعالیت‌های گروهک پژاک پرداخته باشد، تا کنون انجام نشده است لیکن پژوهشگران بسیاری به مقولات مرتبط با این موضوع از جمله هویت کرد، چالش‌های مناطق کردنشین، سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی و همچنین گروهک پژاک پرداخته‌اند که به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

از جمله مطالعات خارجی صورت گرفته در خصوص هویت قومی و ملی، پژوهش مایکل براون (۱۹۹۳) است که بیان می‌کند در طول جنگ سرد، بسیاری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل و تحلیلگران مطالعات نژادی توجه کمی به اشکال نژادی و دیگر مناقشات جمعی داشتند. با توجه به اهمیت مسائل قومی مقالات در این زمینه، ما را در درک علل درگیری‌های قومی و جمعی، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی از چنین مواجهه‌ها روشن می‌سازد. شرکت کنندگان در این مقاله عبارتند از: مایکل براون در مورد علل و پیامدهای اختلافات قومی، آنتونی اسمیت در مورد قومیت‌های ملی‌گرایی، دیوید ولش در سیاست داخلی و درگیری‌های قومی، نروس در مورد دموکراتیزه شدن و درگیری‌های قومی، پیر در مورد ملی‌گرایی و بین‌المللی، جک اسنایدر در مورد ملی‌گرایی و بحران دولت پسا شوروی، بری پوزن در مورد معضل بی‌کفایتی و درگیری‌های قومی، کتلین نیوالند در مورد قومیت‌ها و پناهندگان، ژنون واکر در مورد میانجیگری بین‌المللی از درگیری‌های قومی، آدام روبرتز در مورد اختلافات قومی بحث می‌کنند.

هم‌چنین مارتین وان برونسن (۱۳۹۱) در نوشتاری با عنوان «هویت و ملی‌گرایی کردها در اوایل قرن بیست و یکم» اذعان می‌دارد که «چهل سال است دربارهی کردها می‌نویسم اما هنوز نتوانسته‌ام از هویت و اهداف آنها درک کاملی داشته باشم».

از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص گروهک پژاک می‌توان به کتاب «گروه تروریستی پژاک از آپوگرایی در ارتفاعات قندیل تا سودای کردستان بزرگ» تالیف آوات ایرانی (۱۳۹۷) اشاره کرد که در ۵ فصل به معرفی پژاک، مباین فکری و اعتقادی پژاک، حمایت

خارجی و منابع مالی، اهداف، استراتژی و عملکرد پژاک و در نهایت به جایگاه کنونی و وضعیت آینده‌ی این گروهک پرداخته است. نژندی‌منش (۱۴۰۰) نیز در کتاب «تروریسم و حقوق بین‌الملل (مطالعه موردی گروه تروریستی پژاک)» پس از تعریف تروریسم و ارکان آن در اسناد بین‌المللی، به معرفی گروهک پژاک پرداخته و این پرسش را مورد بررسی قرار داده است که آیا در پرتو موازین بین‌المللی می‌توان این گروه و اقدامات آن را تروریستی دانست؟

هم‌چنین **پایان‌نامه‌ها** و رساله‌هایی توسط آزادی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی علل تشکیل گروهک تجزیه‌طلب پژاک»، زینالیان (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی ایدئولوژی گروهک پژاک و تاثیر آن در امنیت جمهوری اسلامی ایران»، توسلی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی علل و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی پژاک» به انجام رسیده است. در این زمینه، **مقالاتی** نیز توسط دالوند و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «علل گرایش جوانان کرد به گروهک تروریستی پژاک و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی استان کردستان»، عبدالرحمانی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «تحلیل محتوای پیام‌های گروهک تروریستی پژاک در شبکه اجتماعی اینستاگرام»، موسوی‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «نگاهی به تضارب اندیشه و عمل علیه زنان در گروه‌های تروریستی در مخالفت با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی با تاکید بر عملکرد پژاک منشعب از پ.ک.ک»، خیری و همکاران (۱۳۹۵) در «مساله کردها و روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ۲۰۰۲-۲۰۱۶»، کریمی و قره‌محمدی (۱۳۹۵) در «بررسی نقش مورفولوژی مرزی شمال غرب کشور در تامین امنیت در برابر تهدیدات گروهک پژاک (مطالعه موردی: شهرستان ماکو)»، کریمیان (۱۳۹۲) در «بررسی اقدامات گروهک تروریستی پژاک از منظر عملیات روانی»، نطاق‌پور و فتحعلی (۱۳۹۱) در «علل گرایش جوانان کرد به پژاک و تاثیر آن بر امنیت استان آذربایجان غربی»، طلمبسی جونقانی (۱۳۸۹) در «پژاک؛ تاریخچه، اهداف و عملکرد»، پورموسوی و همکاران (۱۳۸۹) در «فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی» به مباحث مرتبط با گروهک پژاک منتشر گردیده است.

در خصوص بحث **هویت و نیز هویت قومی** در ایران نیز پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب «هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی» تألیف احمد اشرف (۱۳۹۵)، کتاب «هویت ایرانی در گرو هویت قومی و مذهبی» اثر محمد احمدیان (۱۳۹۹) و کتاب «بحران هویت قومی در ایران» نوشته‌ی علی الطائی (۱۳۹۶) اشاره کرد. هم‌چنین مقالاتی که توسط پژوهشگرانی چون عبدالله (۱۳۹۸) در «بررسی میزان

توجه هب مولفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه تهران»، پورحسن و باقرآبادی (۱۳۹۸) در «بازنمایی هویت ملی ایرانی در بین روشنفکران کرد کرمانشاهی»، سید امامی (۱۳۹۵) با عنوان «سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران: چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های پیشنهادی»، مسعودیا و همکاران (۱۳۹۳) در «بررسی رابطه هویت ملی و قومی»، ربانب و همکاران (۱۳۸۸) در «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تاکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب».

گروهی از محققان نیز در زمینه‌ی هویت کرد و مباحث مرتبط با مناطق کردنشین ایران مطالعاتی را انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به **پایان‌نامه‌ی** کارشناسی ارشد آرام غلامیان (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تاثیر تغییرات کردستان عراق و سوریه بر هویت قومی کردهای ایران»، طیب احمدی (۱۳۹۴) با عنوان «مقاومت منطقه‌ای و تشدید فرامنطقه‌ای هویت قومی کرد؛ بررسی موردی: وقایع کوبانی»، داود قاسمی (۱۳۸۹) با عنوان «تاثیر جهانی شدن بر هویت قومی در ایران با تاکید بر قوم کرد» و مانند اینها اشاره کرد. همچنین **مقالاتی** که توسط قاسمی حیدری و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «استقلال‌خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران»، مرادی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «تهدیدات امنیت ملی در مناطق مرزی: مطالعه موردی استان‌های کردستان و کرمانشاه»، دیانت (۱۳۹۷) با عنوان «نخبگان، ملی‌گرایی و دیاسپورای کرد»، زمانی و هلالی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی فرهنگ سیاسی و بازشناسی راهبرد برخورد با جنبش‌های قومی در ایران از دوران اصلاحات تا کنون (مورد مطالعه: جنبش قوم کرد)»، محمدپور (۱۳۹۶) با عنوان «راهبردسنجی چالش‌ها و فرصت‌های استان کردستان در دفاع از سرزمین»، غلامی (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل گفتمان سیاست‌های قومی پس از انقلاب اسلامی (با تاکید بر دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶)»، قاسمی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم کرد (نمونه موردی: شهر قروه)»، ترابی و مجیدی (۱۳۹۳) با عنوان «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، اعظم آزاده و بقالی (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران»، نوابخش و گراوند (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی تاثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه مذهب قوم کرد (نمونه موردی: شهر قروه)»، فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) با عنوان «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران» و مانند اینها منتشر شده است.

با بررسی پیشینه پژوهش مشاهده می‌گردد که هرچند پژوهش‌های بسیاری به صورت پراکنده و از زوایای مختلف در خصوص مباحث مرتبط با موضوع پژوهش از جمله هویت کرد، چالش‌های مناطق کردنشین، سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی و نیز گروهک پژاک منتشر گردیده است لیکن تا کنون به این موضوع به صورت کامل و جامع پرداخته نشده و پژوهش حاضر از این بابت، جدید و نوآورانه می‌باشد.

۳-۳ تاریخچه هویداشدن گرایش‌های سیاسی و محلی‌گرا در میان قوم کرد

در ایران گرایش‌های سیاسی کردها به شکل مدرن آن در اواسط قرن بیستم میلادی ظهور کرده است. قبل از آن قیام‌های ایلات کرد علیه دولت مرکزی، ماهیت سیاسی نداشته و بیشتر، شورش‌های قبیله‌ای بودند. در مجموع حرکت‌های سیاسی کردها در ایران می‌توان در سه دوره تاریخی مطالعه کرد: دوره رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ش / ۱۹۷۹-۱۹۴۱ م)، دوره محمدرضا شاه پهلوی (۱۳۷۵-۱۳۲۰ ش / ۱۹۷۹-۱۹۴۱ م) و دوره جمهوری اسلامی (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۳).

- شورش سیمکو تنها حرکت مهم دوران حکومت رضاشاه در کردستان بود. با ظهور دولت مدرن و بوروکراتیک ایران تحت رهبری رضا شاه و ایجاد یک ارتش مدرن، کنترل دولت بر سراسر خاک ایران گسترش یافت و روسای ایلات کرد یا خلع سلاح شده‌اند و یا به دولت مرکزی ابراز وفاداری کردند. فقط در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ و هم‌زمان با کناره‌گیری رضا شاه روسای ایلی و غیر ایلی کرد توانستند درگیر فعالیت‌های سیاسی شوند.

- بحران مهاباد، ۲۵ - ۱۳۲۴: کردستان پس از اشغال ایران مانند آذربایجان از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ در اشغال سربازان متفقین بوده اما با کاهش حضور ارتش ایران و احراز مناصب ماموران دولتی بوسیله کردهای طبقه متوسط شهر مهاباد عملاً تحت کنترل افراد محلی قرار می‌گیرد. پیش از آن در سال ۱۳۲۱ چند تن از نخبگان ایلی و غیر ایلی یک سازمان سیاسی نیمه مخفی به نام کومله ژیان کردستان (کمیته احیای کردستان) تشکیل داده بود. که در مرداد ۱۳۲۴ دست به تجدید سازماندهی خود زد و نام حزب دمکرات کردستان را به خود می‌گیرد که طی آن برنامه‌هایی را اعلام داشتند از جمله با به رسمیت شناختن کردی بعنوان زبان رسمی، خودگرایی برای مردم کرد؛ انتخاب کردها به عنوان مقامات

دولت، بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی کردستان، بهره برداری از منابع طبیعی کردستان و... (مهرمند، ۱۳۸۹: ۱۶). اما این مناسبات دیری نپائید چرا که با خروج نیروهای شوروی با انعقاد توافق ایران و شوروی در سال ۱۳۲۵، وضعیت خود مختارهای کرد و آذری‌ها به تزلزل افتاد پس از سقوط مهاباد و اعدام رئیس حزب شان (قاضی محمد) دولت کنترل خود را در منطقه اعاده کرد. و به طور کلی تا سال ۱۳۵۷ آرامش نسبی در کردستان برقرار بود و کنترل شدید ارتش و پلیس مخفی شاه (ساواک) امکان هرگونه اقدام مسلحانه را منتهی ساخته بود (جلائی پور، ۱۳۷۲: ۵۷).

- انقلاب اسلامی ایران و کردها: در آغاز انقلاب اسلامی، کردهای ایرانی نیز مشتاقانه شرکت داشتند به امید آنکه فرصت تازه‌ای به رهبران گروه‌های سیاسی کرد داده تا خواستار خودمختاری برای کردستان شوند اما رهبران انقلاب چنین درخواست‌هایی را منطبق با ایدئولوژی اسلامی نمی‌دانستند. این موضوع در آغاز منجر به درگیری‌های بسیاری در شهرهایی چون مریوان، نقد، بوکان و پاوه شد که سرانجام با تحولاتی چون کشمکش قدرت در تهران، بحران گروگانگیری و سرانجام تهاجم عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ باعث شد که مسئله کردها در میان مسائل داخلی، جنبه ثانوی پیدا کند و در دوران جنگ، گروه‌های مسلح ضد انقلاب به خارج از ایران رانده شده و وضعیت به صورت نسبی به سوی بهبود پیش رفت.

۴. تبیین مبانی نظری پژوهش

۴-۱ سیاست‌های قومی بعد از انقلاب: اهداف و رویکردها

قبلاً در تعریف سیاست‌های قومی توضیح داده شد، مجموعه از اهداف، رویکردها و اقداماتی است که از سوی حکومت‌ها برای تنظیم و تغییر رفتار و روابط قومی در یک جامعه اعمال و طراحی می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت سیاست‌های قومی در هر جامعه از دو ویژگی یا دو خصوصیت دولت یا نظام سیاسی تبعیت می‌کند:

۱. ایدئولوژی سیاسی حکومت و میزان پایبندی آن به دموکراسی یا عقیده به حق حاکمیت مردم

۲. نوع نگاه تلقی، رویکردی که دولت از ملت یا ناسیونالیسم دولتی دارد (چلبی، ۱۳۷۶:

محققین و پژوهشگران با استناد به قوانین اساسی و موضوعه کشور و رویکردهای کلی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را در آثار و مطالعات خود به سه دسته تقسیم کردند که در اینجا به شرح زیر ارائه می‌شود:

۲-۴ رویکرد مدرن و امت‌مدارانه (الگوی آرمان‌گرایانه)

تدوین قانون اساسی دستاورد انقلاب اسلامی است و از آنجا که قانون اساسی کشور قاعداً محصول اندیشه و رزان‌مدرنیته محسوب می‌شود، به همین سبب نگرش ویژه آن عبارت است از رویکرد برابرانه به حقوق و آرزوهای اساسی شهروندی که به صورتی بنیادین از نگرش‌های نابرابری خواه قومی، زبانی، مذهبی و ملیت تبری می‌جوید. از این رو قانون اساسی، رویکرد مدرن امت‌نگر و دین‌باورانه به مساله قومیت‌ها دارد (خلیلی، ۱۳۸۳: ۴۷).

۳-۴ رویکرد واقع‌گرایانه

نظریه دوم رویکرد و جهت‌گیری سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را تلفیقی از دو دیدگاه تکثرگرایی و یکپارچه‌سازی دانسته، زیرا نسبت و ترکیب این دو رویکرد را مبنای اتخاذ سیاست‌های قومی می‌داند. یعنی از یک سو این تلقی وجود دارد که همه ملت ایران اعم از اقوام و خرده فرهنگ‌ها به عنوان شهروندان جمهوری اسلامی محسوب شده و صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی شان از حقوق شهروندی برابر و یکسانی برخوردارند. از سوی دیگر، ملت ایران را به حسب خصوصیات فرهنگی تعریف نموده که بر اساس این تلقی فارس‌ها به دلیل برخی خصوصیات فرهنگی (زبان، مذهب و...) تقدم یافته و کانون فرهنگی قرار می‌گیرند و بر محور آنان، ملیت ایران توسعه یافته است.

در جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ها، بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای اتخاذ و سیاست یکپارچه سازی یا تکثر گرایی وجود دارد. به رغم ظرفیت‌های قانونی اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و بهبود رویکردهای نظام به سمت بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی و منطقه‌ای، رویکرد بخش‌هایی از نظام هم عرض تحولات عظیم جهانی ارتقا نیافته و در دایره‌ای محدود بخش‌نگرشی گرفتار است (مقصودی، ۱۳۸۳: ۵۳). به دلیل تفکیک و جدائی که در تعاملات و روابط دولت «دولت - قومیت» در جمهوری اسلامی ایران از دو بعد رفتاری (اجرایی) و تضمینی (قانون اساسی، قوانین موضوعه، اهداف، سیاست‌های فرهنگی کشور و...) قائل شدیم،

ناگزیریم برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر موضوع سیاست‌های قومی و جامعه‌نگری در آن، به لحاظ روش این تفکیک و جدائی نیز قائل شویم.

الف. رویه تضمینی در تعاملات دولت-قومیت: منظور نوع تلقی، نگاه، تفکر سیاسی، اهداف، سیاست‌ها و راهبردهایی است که حکومت جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام در قالب مجموعه قوانین و مقررات کشور طراحی و تصویب نموده است و ما مسامحتاً این مجموعه را «سیاست‌های قومی» می‌نامیم.

ب. رویه مدیریتی یا اجرایی در تعاملات دولت-قومیت: منظور مجموعه رفتارها، اقدامات عملی، روش‌ها و ابزارهایی است که برای مدیریت، کنترل و هدایت اقوام در قلمرو سیاسی ایران در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی توسعه حکومت به‌عنوان کارگزاران کلان اجتماعی اتخاذ و به‌مورد اجرا گذاشته شد که مسامحتاً می‌توان آن را «مدیریت سیاسی-اجرایی» نامید (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۳۰۳).

۴-۴ ایران و انعکاسی از روابط دولت و اقوام

جهت گیری کلی سیاست‌های قومی ایران در بدو انقلاب مبتنی بر جو سیاسی، اجتماعی حاکم بر کشور از یک سو و از سوی دیگر، تابع نگرش کلی حاکم بر وضعیت انقلابی جامعه بود. توده‌ای و مذهبی بودن انقلاب و ماهیت جهان وطنی اسلام، چالش بین مدیریت راهبردی انقلاب در سال ۱۳۵۷ مبنی بر مذهبی یا ملی بودن نوع حکومت ایجاد کرد. اعضا و سران جبهه ملی و نهضت آزادی در مقابل نظریه امت‌گرایانه اسلام که ملی‌گرایی را صراحتاً نفی می‌کرد، تاب مقاومت نیاوردند و طی سه سال از صحنه حذف شدند (عبدللهی، ۱۳۸۸: ۶۷). تعارض سنت و مدرنیته، در انقلاب ۱۳۵۷، نیز همچون همه تحولات اجتماعی که از ده سال قبل از آن آغاز شده بود آشکار شد. این تعارض به صورتی مشخص در پاره‌ای مباحث روشنفکرانه سال‌های پیش از انقلاب، به خصوص در تحلیل‌هایی که گاه مدرنیته را در نهایت عاملی برای سلطه غرب می‌شمردند دیده می‌شد.

به هر حال، به رغم تعارضات و تضادهایی که بین گفتمان اسلام‌گرا و گفتمان ملی‌گرا ایجاد شد از میان دیدگاه‌های مختلف گفتمان اسلام‌گرا «اسلام‌گرای رادیکال، اسلام‌گرایی سکولار». دیدگاهی که با ارزش‌های ملی تضاد نداشت و ملی‌گرایی را نه از باب نفی ارزش‌های ملی ایرانی بلکه از باب تردید در توانائی ناسیونالیسم در ایجاد همبستگی ملی مورد نقد

قرار می‌داد، به عنوان گفتمان اصلی انقلاب پذیرفته شد. با این وجود، در جامعه و نظم سیاسی ایران پس از انقلاب، قبض و سببها و تحولات سریع سیاسی-اجتماعی ناشی از انقلاب، روند تدوین جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های عمومی کشور از جمله سیاست‌های قومی و تدوین قوانین و مقررات در این حوزه را تحت تاثیر قرار داد. فضای خاص جامعه از یک سو و از سوی دیگر، دیدگاه‌های رهبر و روحانیون شیعه که اکثریت مجلس را داشتند نقش مهمی در تصویب قانون اساسی کنونی داشته‌اند. ماهیت شیعی و ایدئولوژیک نظام از یک سو و شکاف‌های مذهبی از سوی دیگر، موجب ایجاد تناقض و پارادوکس در عرصه حقوقی و مباحث شدیدی در سطح جامعه گردید. بنابراین می‌توان گفت که اساساً شکل‌گیری مساله قومیت در ایران طی دهه‌های اخیر صرفنظر از عوامل بین‌المللی، بیشتر تابع عوامل سیاسی و ایدئولوژیک از جمله فعال شدن شکاف مذهبی بوده است (عاملی، ۱۳۸۷: ۴۳).

۴-۵ دولت - اقوام در بوتۀ اجرا

بدون تردید شناخت و تجزیه و تحلیل رویه عملی هر حکومتی در قبال دولت امکانپذیر نیست. در واقع، ترکیب و ساختار دولت‌ها بر جهت‌گیری و سیاست‌های آنان تاثیرگذار است. موضوعی که در این قسمت تحت عنوان روابط «دولت - قومیت» از بعد رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرند برای نیل به هدف خود در تاریخ انقلاب برش‌هایی ایجاد و آن را به چهار مقطع تاریخی تقسیم نمود. این چهار دوره عبارتند از:

۱. تشتت و ابهام در الگو و استراتژی مدیریت و فقدان آگاهی مدیران نسبت تحولات قومی

۲. دوره استقرار الگوی سیاست جنگی و تمرکز بر دشمن خارجی

۳. استراتژی توسعه اقتصادی مناطق قومی تقسیم نمود. این چهار دوره عبارتند از:

- تشتت و ابهام در الگو و استراتژی مدیریت و فقدان آگاهی مدیران نسبت تحولات قومی

- دوره استقرار الگوی سیاست جنگی و تمرکز بر دشمن خارجی

- استراتژی توسعه اقتصادی مناطق قومی

- استراتژی مشارکت سیاسی اقوام، تشکیل شوراهای

۴-۶ فاکتورهای هویتی در جغرافیای گردنشین

هویت جمعی عام از اصلی‌ترین شاخص‌های مدرنیته و جهان مدرن به شمار می‌رود و می‌توان آن را مهمترین معیار توسعه‌ی اجتماعی قلمداد نمود. در ایران بحث درباره‌ی هویت جمعی به‌ویژه در سطح جامعه‌ای آن با ظهور گفتمان مدرن و دولت ملت مدرن بر آمده از آن آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته است. هر چند در ایران از قرن‌ها پیش نوعی وجود داشته است؛ با این وصف، ساختار اجتماعی «ایرانی بودن» شناخت و آگاهی نسبت به جامعه‌ی ایران به گونه‌ای بوده که عملاً تا پیش از پیدایش جنبش مشروطه، اشتغال نظری و عملی به هویت جمعی به‌ویژه در سطح جامعه‌ای آن و در جهت ملت‌سازی و تقویت وحدت ملی موضوعیت چندانی در عرصه سیاسی و همگانی جامعه‌ی ایران نداشته است. تنها در اوایل سده بیستم بود که آگاهی ملی در تعیین گرایش‌ها و رفتار اجتماعی و سیاسی ایرانیان نقش محوری ایفا کرد. بنابراین جنبش انقلابی مشروطه به نوعی اولین خیزش به سمت مؤلفه‌ها و لوازم مدرنیته به ویژه شهروندی، هویت جمعی عام و مدنی، دموکراسی و حکومت قانون مدار به شمار می‌رود (محمدیهودی، ۱۳۸۴: ۴۳).

با برآمدن حکومت پهلوی، ایجاد هویت ملی واحد و سراسری از طریق سیاست‌های هویت‌سازی مبتنی بر هویت زدایی قومی مورد اتمام جدی قرار گرفت (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱۲۲؛ اتابکی، ۱۳۸۳: ۴۵؛ فوران، ۱۳۸۹: ۳۲۳). بعد از انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنوع مذهبی، زبانی و قومی به عنوان یک واقعیت و امر بدیهی به رسمیت شناخته شد و در اصول ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۶ بر حقوق اجتماعی و سیاسی اقوام و اقلیت‌های دینی و مهیامودن فرصت‌های برابر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأکید گردید؛ با این وصف، تنها در اواخر دهه‌ی دوم انقلاب، بسترهای مناسب برای پرداختن به این اصول در گفتمان مسلط سیاسی فراهم شد. از این رو، محیط زیست اجتماعی اقوام از گشایش‌های فرهنگی و اجتماعی بهره برد و در نزد بسیاری از نخبگان و چهره‌های سیاسی گرد تمایل به مشارکت در عرصه‌ی سیاسی کشور قوت بیشتری به خود می‌گیرد. همین امر، سیاسی‌شدن، هویت‌خواهی‌های قومی را کاهش داد. با این حال، وقوع ناآرامی‌های قومی در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ در مناطق گردنشین این ذهنیت را تقویت می‌نماید که هنوز محرک‌ها و لوازم ساختاری برجسته شدن نشان‌گرهای هویت قومی به قوت خود باقی است. همین وضعیت موجب شده است تا به قول برخی از صاحب‌نظران (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۲) وجه غالب منازعات اجتماعی در ایران صبغه‌ای قومی بخود بگیرد. بدون شک، وجود قرابت‌ها و

تداخل مرزهای نمادین فرهنگی و اجتماعی مردمان کُرد با جامعه‌ی ایران و همزیستی و روابط مسالمت آمیز تاریخی آنان با سایر اقوام موجب شده تا مسائل قومی در نزد آنان شکل گرایش‌های رادیکال به خود نگیرد؛ اما این گفته به آن معنا نیست که مردمان کُرد از نشان‌گرهای قومی و هویتی خود دست کشیده باشند. همانگونه که در جدول ۱ نیز آمده است، پیمایش و مطالعات موجود حاکی از آن است که مردمان کُرد با مسائل متعددی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی مواجه بوده و همین مسئله تأثیرهای متفاوت و گاه ناگوار و آسیب‌زایی بر جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی بر جای گذاشته و ترجیحات هویتی آنان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

با این وصف، در یک دهه اخیر گسترش شبکه‌ها و کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای کُردی شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کُردستان عراق و تبدیل شدن کُردستان عراق به مرکز فرهنگی سایر کُردها، پرداختن به موضوع هویت جمعی و شناخت علمی ترجیحات هویتی مردمان کُرد و عوامل اثرگذار بر تغییرات آن را به موضوعی درخور توجه و واجد اهمیت مبدل ساخته است.

۴-۷ جغرافیای مورد مطالعه: کُردستان

ناسیونالیسم کُردی ایران و خواست خودمختاری کردها به شکل جنبش، آن هم به طور عمده به سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ باز می‌گردد. در این دوره ناسیونالیسم کُردی و خواست خودمختاری سیاسی، که متأثر از ناسیونالیسم در کُردستان عراق و ترکیه بود ظهور کرد. خصوصاً در منطقه کُردستان با مرکزیت مهاباد. در این دوره، جنگ جهانی دوم فرصت مناسبی را برای ناسیونالیسم کُردی فراهم کرد و این جریان در سال ۱۳۲۴ به مدت یکسال جمهوری خودمختار کُردی در شهر مهاباد تاسیس کرد (جلائی پور، ۱۳۸۵: ۶۸). با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰، قوای نظامی حکومت شوروی شمال ایران را اشغال کرد و از آن جمله کُردستان شمالی ایران به مرکزیت مهاباد را تحت نفوذ می‌گیرد و پادگان مهاباد سقوط کرد. این وضعیت تا پنج سال ادامه پیدا کرد. یک سال قبل از جنگ جهانی، اولین تشکیلات سیاسی کُردی به نام جمعیت (یا کومله ژ-کاف) رستاخیز کرد تشکیل شد. این تشکیلات به صورت مخفی در شهر مهاباد، شروع به فعالیت کرد. شرایط عضویت در این جمعیت بدین قرار بود: هرگز به کرد خیانت نکند، برای خودمختاری کُردستان از تلاش باز نایستد، اسرار سازمان را نه با نوشتار و نه با گفتار بروز ندهد، تمام مردان که در اینجا عضو هستند زنان را خواهر خود بداند و این شکل‌گیری

کومله ژکاف، در کردستان در جریان بود که رضاشاه تبعید و مناطق کردنشین از کنترل دولت مرکزی خارج شده بود. در چنین وضعیتی قاضی محمد، در عرصه‌ی عمومی شهر فعال شد و امور روزانه آنها را رتق و فتق می‌کرد.

از سال‌های ۱۳۲۶ تا آبان ماه ۱۳۵۷ کردستان شاهد حرکت و جنبش سیاسی جدی نبود. در این دوره‌ی سی ساله، تنها دو حرکت سیاسی و کم دامنه قابل ذکر است. یکی در سال ۱۳۲۶ بود که بعضی از اعضای مرکزی شورای حزب دموکرت کردستان مجدداً با حزب توده شروع به فعالیت کردند که البته در نهایت با حزب اختلاف‌نظر پیدا کردند و دوم، در سال ۱۳۴۶، یک کمیته انقلابی با خط و مشی مبارزه مسلحانه، به عنوان حزب دموکرات با حزب توده قطع رابطه کرد. یکی از اقدامات چشمگیر آنان خلع سلاح یکی از پاسگاه‌های ژاندارمری پیرانشهر بود. در مجموع این دوره‌ی سی ساله، مشکل جدی حکومت پهلوی کردستان ایران نبوده بلکه کردستان عراق بود.

۴-۸ علل خیزش جنبش کردی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منازعات سیاسی به مناطق کردنشین اختصاص نداشت و در میان آذری‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و عرب‌ها نیز رخ داد ولی نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی تنها در مناطق کردنشین با بحران جدی و مداوم روبرو بودند. دلیل این تفاوت آن بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، غیر از فعالیت‌های سیاسی و گروه ناسیونالیست کرد، حکومت با یک جنبش مردمی کردی نیز روبرو بوده است. در اوایل انقلاب که طبیعی بود که حکومت نوپا تازه‌کار و ضعیف باشد اما این حکومت در اغلب شهرهای بزرگ ایران از پشتیبانی یک جنبش بزرگ مردمی - مذهبی برخوردار بودند. لذا حکومت به رغم تازه کار بودن، قدرت اجتماعی خوبی داشت. اما در مقابل، این حکومت در کردستان از این قدرت اجتماعی مردمی محروم بود. زیرا جمهوری اسلامی در شهرهای کردنشین با جنبشی مردمی - کردی روبرو بود. تعداد زیادی از مردم راه حل معضل توسعه نیافتگی و ریشه‌کن کردن تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کردستان را در گرو کسب خودمختاری سیاسی خود می‌دانستند.

۴-۹ گروهک تروریستی پژاک

همان‌گونه که ذکر شد، پژاک یکی از احزاب تروریستی فعال در مناطق کردنشین است که در سالیان اخیر با نفوذ بین شهروندان و انجام عملیات تروریستی سبب ایجاد ناامنی در مناطق شمال غرب کشور گردیده است.

گروهک پژاک یکی از گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی است که به بهانه‌های مختلفی از جمله تشکیل کردستان واحد، آزادی‌بخش بودن فعالیت‌هایشان در جهت منافع ماهیت، هویت، مصالح و منافع قوم گرد در اوایل ۲۰۰۰ در مناطق کردنشین ایران به وجود آمد. به دلیل اهمیت و ضرورت خاص این مقوله، پژوهش کنونی با هدف نارسائی‌های حکومتی و چالش‌های استراتژیکی دولت در قبال هویت گرد با نگاهی بر فعالیت گروهک پژاک با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی به این مهم پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان ایران از جمله کشورهای غربی به خصوص آمریکا، همواره در صدد بوده و هستند تا از طریق گروهک‌های مخالف و شورشی، نظام را به چالش کشیده و با بحران مواجه سازد که در همین راستا، با بهره‌گیری و نفوذ در این گروهک‌ها اهدافی را دنبال می‌نماید که ناامنی مناطق مرزی، ایجاد شکاف قومیتی، واگرایی را به دنبال دارد. پشتیبانی نظام سلطه و بخصوص امریکا از پژاک و دیگر گروهک‌های مخالف نظام برای مقابله با قدرت ایران در منطقه از دلایلی می‌باشد که پس از طرح خاورمیانه بزرگ قابل استنباط است. در این طرح خاورمیانه بزرگ عامل قوم و قومیت به عنوان یک وسیله در راه اهداف طرح در نظر گرفته شده که اکثر درگیری‌های منطقه‌ای بر اساس مؤلفه‌ی قومیت و مدیریت منفعت‌گرایانه درگیری‌های قومی بنیاد گذاشته شده است.

پژاک توسط اعضای حزب کارگران کردستان با خط مشی و اندیشه‌های منشعب از این حزب تشکیل شد. این حزب به تبعیت از حزب مادر (پ ک ک) دارای اندیشه‌های ناسیونالیستی و واگرایانه بوده و خواهان جدایی مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه و تشکیل کردستان بزرگ می‌باشد.

در خصوص جریان‌شناسی فکری و سیاسی این گروهک باید به موارد زیر اشاره داشت:

- ایده اتحاد کردها و تشکیل دولت کرد
- انتخاب کمونیسم به عنوان شیوه ای برای مبارزه
- پشتیبانی از طرح ایده کنفدراسیون کرد

- ضدیت با جمهوری اسلامی ایران
- تکیه بر فعالیت چریکی به مثابه برگ برنده
- حمایت‌های گوناگون قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

این گروهک در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تروریستی فعالیت دارد.

پژاک در راستای فعالیت‌های سیاسی خود به دنبال هژمونی فکری خویش در مناطق شمال غرب است که در این راستا اقدام به فعالیت‌هایی چون خرید زمین، ایجاد نهادهای غیرقانونی، تلاش برای نفوذ به دانشگاه‌ها و ارتباط با دولت‌های مخالف جمهوری اسلامی کرده است. جالب توجه این که حکومت اقلیم کردستان عراق با همراهی آمریکا، رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای اروپایی هر کدام نقشی مؤثر در روند شکل‌گیری و سازمانی‌سازی پژاک داشته‌اند. حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی به پژاک باعث حمایت سایر کشورها از این گروهک شده است؛ به عنوان مثال، هلند، بلژیک، ارمنستان و آلمان پایگاه‌هایی برای آموزش به این افراد اختصاص داده‌اند تا با مهارت بیشتری فعالیت‌های تروریستی خود را گسترش دهند.

شایان ذکر است که اداره‌ی گروهکی با فعالیت‌های گسترده‌ی نظامی و تروریستی نیازمند بودجه‌ی هنگفتی است که بخشی از این بودجه توسط حامیان خارجی پژاک بویژه پ.ک.ک، رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی تأمین می‌شود و بخشی دیگر، با فعالیت‌های اقتصادی اعضای این گروهک فراهم می‌گردد که از جمله فعالیت‌های اقتصادی پژاک می‌توان به قاچاق مواد مخدر اشاره کرد. بنا بر اظهارات رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران، قاچاق مواد مخدر عمده‌ترین منبع تأمین مالی سازمان‌های تروریستی پ.ک.ک و پژاک می‌باشد. این سازمان‌ها با حذف سایر مافیای قاچاق در منطقه، درآمد هنگفتی از طریق ترانزیت مواد مخدر به دست می‌آورند. همچنین پلیس بین‌الملل اینترپل بیان داشته است بین ۶۰ تا ۷۰ درصد مواد مخدر وارده به اروپا از طریق استانبول انجام می‌شود که تشکیلات مافیایی تحت کنترل پ.ک.ک و پژاک مستقیماً در ترانزیت مواد مخدر دخالت دارند.

پژاک به منظور مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، دست به اقدامات نظامی می‌زند که در این اقدام، از عملیات چریکی و تاکتیک «جنگ و گریز» پارتیزانی بهره می‌گیرند. نکته‌ی قابل توجه در این امر آن است که این گروهک، تسلیحات نظامی بسیاری را از طریق اقلیم کردستان عراق از آمریکا و رژیم صهیونیستی به دست می‌آورد تا در راستای سیاست‌های ایران‌ستیزی آنها

بررسی نارسائی‌های حکومتی و ... (مهدی توسلی و دیگران) ۱۶۵

اقدام کند. این گروهک همچنین از آموزش نظامی نیروهای آمریکایی بهره‌مند است. در این خصوص، رهبر پژاک با حضور در برنامه ای تلویزیونی اعلام کرد که ژنرال‌های آمریکایی از اردوگاه ما بازدید و موافقت خود را با این موضوع اعلام کردند. این گروهک در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ با ورود به فاز نظامی شماری از نیروهای امنیتی و شهروندان جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساند (Brandon 2007: 72).

دیگر زمینه فعالیت گروهک پژاک، عملیات‌های تروریستی است که این اقدام را در راستای سیاست موازنه‌ای پیش می‌برد. این بدان معناست که گروه‌های معارض برای غلبه بر ضعف فزاینده خود در مقابل قدرت دولت‌ها و ایجاد موازنه، به شیوه‌های جنگ تروریستی روی می‌آورند. از سوی دیگر، رهبران این گروه‌ها در پی رسیدن به قدرت و با اطلاع از برد تبلیغاتی چنین شیوه‌ای به دنبال مطرح کردن و بزرگ جلوه دادن هرچه بیشتر مطالبات گروه‌های تروریستی هستند. نتیجه دیگری که این نوع جنگ برای پژاک دارد ایجاد رعب و وحشت میان جامعه و نوعی قدرت نمایی است. به این شیوه که انجام عملیات‌های تروریستی علیه جوامع در تضارب با برد تبلیغاتی آن، نوعی ضعف را برای دولت‌ها و در مقابل، قدرت گروه‌های معارض را به ویژه بین افکار عمومی به نمایش می‌گذارد (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

باید به این نکته اذعان داشت که آنچه باعث جذب بخشی - هرچند اندک - از مردم کرد به گروهک‌های تروریستی همچون پژاک می‌شود، تبلیغات آنها در خصوص نارسایی‌های حکومتی و سیاست‌گذاری‌های تبعیض‌آمیز و ناعادلانه‌ی دولت‌های جمهوری اسلامی در مناطق مختلف کشور بویژه در نواحی مرزی که سکونت‌گاه اقوامی چون کردها است، به همراه تبلیغات ناسیونالیستی مبتنی بر نژاد و زبان و مذهب و... و برانگیخته کردن حساسیت‌های قومیتی می‌باشد.

۴-۱۰ تجزیه و تحلیل شرایط قومی در کردستان

پس از اتمام جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای اجرای برنامه‌های توسعه ملی در کشور، رفته رفته شاهد برطرف شدن بخش قابل توجهی از محرومیت‌ها در استان‌های مختلف از جمله کردستان هستیم، مخصوصاً از سال‌های ۱۳۷۶ به بعد توجه بیشتری توسط دولت به استان کردستان به عمل آمد. برای نمونه در تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ در میان ۱۰۰۰ نفر از کردهای شهرهای مختلف کشور انجام می‌گیرد، ۸۷ درصد کل پاسخ‌گویان اعلام کردند هم‌نواپی کردها با دولت در حد متوسط و زیاد افزایش یافته است.

هم‌چنین ۹۲/۲ در صد پاسخگویان اعلام داشتند شاخص‌های توسعه سیاسی در مدت تعیین شده در حد متوسط و زیاد در مناطق کردنشین افزایش یافته است (گودرزی، ۱۳۹۴: ۲۵۱). آمار و شواهد موجود در ایران، حاکی از وجود برخی شکاف‌ها و نابرابری‌های میان اقوام می‌باشد که با رویکردی سیستمی به آن می‌توان ابعاد شکاف‌ها را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

الف. شکاف و نابرابری اقتصادی: شکاف و نابرابری اقتصادی زمانی پیش می‌آید که اعضای یک گروه به شیوه منظم از دسترسی به موقعیت‌ها و کالاهای مطلوب اقتصادی منع شوند. بر این اساس، در ایران مناطق قومی به ویژه مناطق کردنشین از نظر صنعتی از رشد کم‌تری برخوردارند.

ب. شکاف سیاسی: براساس سیاست‌های دولت مرکزی، موقعیت‌ها و مناصب بالای سیاسی کمتر به اقوام کرد اختصاص یافته است. با توجه به ساختار حکومت و تأکید بر سیاست تمرکزگرا، تمام اختیارات حکومتی در دست مرکز است و گروه‌های قومی در حاشیه به سر می‌برند که این مولفه خود باعث عقب‌ماندگی در روند توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی مناطق قومی محسوب شده و تا حدود زیادی می‌تواند زمینه واگرایی قومی را فراهم کند.

ج. شکاف فرهنگی اجتماعی: در جامعه شناسی، وجود فرهنگ‌های مختلف نمادی از تنوع افکار، ارزش‌ها و رفتارهای متفاوت می‌باشد که این تنوع خود می‌تواند موجب غنای فرهنگی و تمدن بشری باشد و در این رابطه شایان توجه است که تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی فی‌نفسه نمی‌تواند عامل برتری یک گروه دیگر باشد؛ اما در سیستم سیاسی سنتی ایران، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی گروه‌های خاصی موجبات کسب امتیاز بیشتر و به حاشیه‌رانی گروه‌های قومی دیگر را فراهم کرده است. در همین رابطه امکانات فرهنگی استان کردستان در مقایسه با سایر مناطق به ویژه استان‌های مرکزی، ضعیف و دارای تفاوت چشمگیری است. برای مثال، یکی از مهمترین بی‌اعتنایی‌های فرهنگی، عدم اجرای تدریس زبان بومی در نظام آموزشی کشور و کاستی‌های توسعه یافتگی علمی کردستان است.

به صورت کلی می‌توان به نقش دولت در پیدایش چنین وضعیتی اذعان کرد. حداقل، ضعف‌ها و کاستی‌های مدیریتی دولت در حوزه مدیریت شکاف‌های قومی را عینی تلقی کرد، به ویژه در مورد قوم کرد که این ضعف‌های مدیریتی موجب شده است تا کردها احساس محرومیت نموده و منزلت اجتماعی پایین‌تری نسبت به اقوام دیگر داشته باشند و به همین دلیل

بررسی نارسائی‌های حکومتی و ... (مهدی توسلی و دیگران) ۱۶۷

زمینه‌های نارضایتی و بعضاً واگرایی در میان آنان مشاهده شود که اهم عوامل این احساس نابرابری به شرح ذیل تجزیه و تحلیل می‌شود:

الف. نابرابری‌های فرهنگی: گروه‌های قومی به هویت قومی و ویژگی‌های خاص خود گرایش پیدا کرده و منبع نیرومندی برای غرور و همبستگی گروهی آنها محسوب می‌شود. این موضوع می‌تواند دو نتیجه را به همراه داشته باشد:

۱) ایجاد زمینه و شرایط برای گسست و فاصله‌ی بین اقوام حاشیه‌ای و دولت مرکزی (شکاف قومی).

۲) افزایش واگرایی فرهنگی، واقعیت‌های فرهنگی نشان می‌دهد که در این بعد علی‌رغم تلاش‌های صورت می‌گرفته برای کاستن از نابرابری‌های فرهنگی هنوز برخی تبعیضات و نابرابری‌های فرهنگی در کردستان مشهود است، کم توجهی به آموزش زبان کردی، مجلات و نشریه‌های محلی، فیلم و تئاتر و ترویج ادبیات کردی که جزء گرایش‌های اصیل زبان فارسی است هنوز رایج می‌باشد. کردستان در زمینه فرهنگی با مناطق مرکزی دارای شکاف شایانی است. یکی دیگر از مهمترین ضعف‌های فرهنگی این استان بالابودن نرخ بی‌سوادی واقعی در میان بزرگسالان می‌باشد که عل‌یرغم تلاش‌های صورت می‌گیرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این محرومیت در استان مشهود است (ترابی، ۱۳۹۳: ۳۰).

ب. نابرابری‌های اقتصادی: این موضوع، یعنی وجود نابرابری در استان کردستان در مقایسه با استان‌های مرکزی به وضوح قابل مشاهده است و نسبت به حوزه‌های دیگر مشخص‌تر، به‌عنوان مثال در طبقه‌بندی استان‌ها، کردستان آخرین رتبه را در سال ۱۳۷۰ در سطح کشور به خود اختصاص داده و جزء استان‌های توسعه نیافته کشور بوده است.

ج. نابرابری‌های سیاسی و مدیریتی: اصولاً سیاست‌گذاری قومی، تجلی‌ای از قدرت، به‌ویژه گروه مسلط می‌باشد که مجموعه‌ای از اهداف، راهبردها و رویکردی است که به منظور تنظیم مناسبات قدرت با گروه‌های قومی از سوی حاکمیت اعمال می‌شود، هدف سیاست قومی شکل‌دهی، نظم بخشی و ساماندهی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای رسیدن به منافع و اهداف ملی است (حق پناه، ۱۳۹۰). نبود سیاست‌های مدیریتی اثربخش و شفاف قومی راه را بر اعمال سلیقه‌های شخصی مدیران و عدم توزیع بهینه‌ی منابع می‌گشاید و در نتیجه، بحران اقتدار، بحران نفوذ و نهایتاً واگرایی در سطح ملی تقویت می‌شود.

د. نابرابری‌های اجتماعی: مقوله نابرابری‌های اجتماعی نیز در کردستان شایان توجه است؛ تعداد بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، وضعیت آسیب‌های اجتماعی و همچنین رفاه اجتماعی در کردستان نیز به طور نسبی ضعیف‌تر و عقب مانده‌تر از بسیاری از استان‌های کشور می‌باشد. برای مثال در تحقیقی که در سال ۱۳۷۵ توسط دانشگاه شاهد انتشار یافت در میان استان‌های آذربایجان، گیلان و مازندران به عنوان استان‌های برخوردار و استان‌های بوشهر، ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان به عنوان استان‌های کاملاً محروم محسوب شده‌اند (میرزایی، ۱۳۹۰، ۲۱).

ه. سیاست بومی‌سازی: سیاست بومی‌سازی در عرصه‌های گزینش دانشجو و مواردی مانند بومی‌سازی خدمات سربازی و سایر موارد مشابه، گرچه دارای خاستگاه عدالت‌طلبانه‌ی صوری می‌باشد، اما این سیاست به نحوی ناخواسته باعث گسترش و تشدید فعالیت‌های منطقه‌گرایانه در دانشگاه‌های استان‌های مرزی از جمله کردستان شده به گونه‌ای که نشریات دانشجویی با محتوای قومی در جهت دامن زدن به تحریکات قومی‌گرایانه در دانشگاه‌ها به فعالیت مشغول هستند و بومی‌کردن محل خدمت سربازی نیز تا حدود زیادی پیامدهای ناگواری مشابه بومی‌کردن گزینش دانشجویان به همراه خواهد داشت و از شکل‌گیری روحیه ملی در سربازان و دانشجویان خواهد کاست (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). در همین رابطه حذف بومی‌سازی و بومی‌گزینی موجب تعامل و تبادل فرهنگی میان اقوام مختلف شده و روح همبستگی و همگرایی را در کشور افزایش می‌دهد.

باید اذعان داشت که کشورهای دارای تنوع قومی و مذهبی، اگر با مدیریت مبتنی بر عقلانیت، رعایت اصل عدالت و انصاف و ملحوظ داشتن حقوق اقوام مختلف به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجرایی کارآمد در حوزه مدیریت تنوع اجتماعی اقدام نمایند؛ زمینه‌های برطرف شدن نابرابری‌ها و تبعیضات فراهم شده و همگرایی و انسجام ملی در آن کشورها محقق خواهد شد. از جمله مناطقی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل خاطره تاریخی استبداد و ستم دوران حکومت پهلوی و سپس تحریکات و مداخلات مستقیم گروهک‌های عمدتاً مارکسیستی و ضدانقلاب، احساسات ناسیونالیستی و منازعات قومی در آن قطبی و حاد شد، منطقه کردستان جمهوری اسلامی ایران است. بررسی‌های انجام شده نشان‌دهنده این واقعیت است که متغیرهای متعددی در شکل‌گیری شکاف‌های قومی و همچنین نحوه مدیریت آنها در یک کشور اثرگذار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- شرایط و وضعیت علم و دانش و میزان باسوادی و آگاهی مردم قلمرو سرزمینی؛

بررسی نارسائی‌های حکومتی و ... (مهدی توسلی و دیگران) ۱۶۹

- شرایط توپولوژیک و نحوه استقرار گروه‌های قومی در عمق یا حاشیه و مرزهای کشور؛
- شرایط ژئوپلیتیکی و وضعیت مرزها و میزان آسیب‌پذیری در برابر قدرت‌های خارجی؛
- میزان تشابه یا تفاوت گروه‌های قومی مستقر در مرزها یا با ساکنان مرزی کشور همجوار؛
- تعداد گروه‌های قومی و میزان جمعیت آنها؛
- سیاسی و فعال شدن شکاف‌های قومی؛
- پیشینه دولت ملی،
- سابقه و نحوه شکل‌گیری دولت مدرن؛
- میزان و نحوه دخالت عوامل بین‌المللی در مسائل قومی و داخلی کشور؛
- نقش و نگرش تاریخی اقوام در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛
- مبانی فکری و ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم و رهبران نظام؛
- فرهنگ سیاسی و نگرش نخبگان قومی؛
- فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم؛
- سازوکارهای مدیریت شکاف‌های قومی.

طبق شواهد گوناگون، مسائل قومی از بغرنج‌ترین و درعین حال، تأثیرگذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی در دنیای معاصر محسوب می‌شود. با توجه به برخی قرائن و شواهد، به نظر می‌رسد تشدید هویت‌ها و پویای قومی، یکی از بارزترین مظاهر دینامیسم سیاسی و اجتماعی ایران در آینده‌ای نزدیک خواهد بود و عوامل این مسئله عبارت‌اند از: تشدید گسست میان هویت ملی و قومی، تصاعد مطالبات اجتماعی منزلتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رشد فزاینده سازمان‌ها، نهادها، انجمن‌ها و مراکز قومی، تکوین احساسات قوم‌گرایانه افراطی در میان برخی از نخبگان، روشنفکران و احزاب سیاسی، افزایش بیگانگی سیاسی و ایجاد فاصله میان اقوام و نظام سیاسی، بروز و ظهور مطالبات قومی در فرصت‌های انبساط سیاسی مانند انتخابات ملی و محلی (کریمی‌مله، ۱۳۸۳: ۳۳).

هرگاه عناصر قومی مبنایی برای مطالبات سیاسی شوند، هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت (قوم‌گرایی سیاسی) پدیدار می‌شود. این وجه از قوم‌گرایی مرز ملت را با مرز گروهی قومی و خاص، مشخص و محدود می‌کند. این مفهوم توسط والکر کانر ابداع شد و مضمون اصلی آن، تأکید بر تعلقات فرهنگی و اجدادی جامعه‌ای معین، به صورت مبنایی ضروری برای حق حاکمیت است (احمدزاده، ۴۸: ۱۳۸۶: ۴۴). در اینجا ملت شامل انسان‌های آزادی است که خود را به پیروی از قانونی برآمده از ملت متعهد کرده‌اند. در حوزه سیاسی این گونه از قوم‌گرایی به دنبال ایجاد احساس، علاقه، تعهد، تفکر، رفتار و تحریک کردن تلاش برای انجام خواست‌های قومی است. در این حالت، خواست‌های قومی بر تقسیم قدرت و هم‌پوشانی مرز سرزمینی با مرز فرهنگی متمرکز است. کردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها و ترک‌ها بزرگ‌ترین بلوک قومی را در خاورمیانه تشکیل داده‌اند (اولسون، ۱۹۸۹: ۶).

جنبش قومی‌گردد در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه، همواره برای دولت‌های مرکزی این کشورها مسئله‌ساز بوده و در وضعیت کنونی، این مسئله به یکی از معضلات خاورمیانه تبدیل می‌گردد. در دو دهه اخیر تحولات ایجاد شده در کردستان عراق، ترکیه و سوریه تحقق برخی از خواست‌های فرهنگی و سیاسی کردها را نشان می‌دهد و در این میان این موارد از این قبیل مسائل هستند: تشکیل کانتون‌های خود‌مدیریتی در مناطق کردنشین سوریه در سال ۲۰۱۲ و موفقیت کردهای عراق در تشکیل حکومت خودمختار کردستان. احزاب‌گردد سوریه به کمک همین کانتون‌ها کنترل بخش‌های کردنشین این کشور را به دست می‌گیرند و این تحولات بر خواست‌های هویتی در میان کردهای ایران نیز اثرگذار بوده است. هرگاه ایران و کشورهای همسایه آن، مثل ترکیه، عراق و سوریه با مسائل قومی درگیر بوده‌اند، کردها به شکل یکی از مؤلفه‌های ثابت در این مناقشات نقش داشته‌اند. بر مبنای مطالعات تجربی در ایران شکاف قومی در میان کردها فعال و بر پایه آن آگاهی سیاسی، سازمان‌دهی و عمل سیاسی انجام شده است (بشیری، ۱۳۹۰: ۱۳۷). همچنین، ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت کردها نخستین بار در میان کردهای ایران جلوه‌گر شده است (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۳۹۵). با وجود داشتن آمال ملی‌گرایانه، کردها در خاورمیانه هرگز وحدت سیاسی نداشته‌اند (هی‌وود، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

در سال‌های اخیر، جنبش‌گرددی بیشتر در قالب «مقاومتی اجتماعی» ظاهر شده است؛ به طوری که نشانه‌های این مقاومت به خوبی در رفتار انتخاباتی مردم‌گردد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ مشاهده می‌شود (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۴۱). در سال‌های اخیر، از لحاظ فرهنگی نیز نموده‌های این

مقاومت اجتماعی شامل این موارد می‌شوند: افزایش کتب و نشریات و نام‌گذاری کودکان به زبان کُردی، تمایل جوانان و تحصیل‌کردگان کُرد به خواندن و نوشتن به زبان کُردی، تشکیل انجمن‌های ادبی و فرهنگی، برگزاری تجمعات و راهپیمایی در حمایت از کُردهای سایر کشورها که در آنها تمایلات ناسیونالیستی کاملاً برجسته بوده است. با در نظر می‌گرفتن این نکته که زمینه‌های چنین بحران‌هایی همچنان در جامعه ایران خودنمایی می‌کنند، اهمیت این قضیه آشکار می‌شود. کردها در طول تاریخ از مدافعان سرزمین، مردم و فرهنگ ایران‌زمین بوده‌اند و اشتراکات فرهنگی و سرنوشت مشترک تاریخی مانند عاملی پیوند دهنده و انسجام بخش عمل کرده است.

۴-۱۱ هویت‌طلبی قومی و سیاسی‌شدن قومیت کُردهای ایران

در ادبیات نظری مرتبط با قومیت‌گرایی و هویت‌طلبی قومی دو رویکرد نظری اصلی مشخص هستند: رویکرد نخست قدیمی‌گرایی نامیده می‌شود که ماهیت و چیستی قومیت و هویت‌طلبی قومی را ارزیابی می‌کند. این رویکرد بر عناصر تمایزبخش قومی مثل زبان، مذهب، سرزمین و... متمرکز است. رویکرد قدیمی‌گرایی قومیت را به صورت الگوی پایدار زندگی فردی و گروهی در نظر می‌گیرد که در طول تاریخی طولانی دوام آورده است. رویکرد دوم، موقعیت‌گرایی است که روابط قومی را پویا، سیال و متغیر تصور می‌کند که این روابط نه جزو صفات گروه، بلکه منظری از روابط میان گروه‌ها در نظر می‌گیرده می‌شود و مرزهای قومی لزوماً با مرزهای فرهنگی انطباق‌پذیر نیست. هدف موقعیت‌گرایان، تشریح انسجام گروهی، ثبات و شدت پیوستگی گروهی و تأکید بر جنبه‌های احتمالی و کیفیت‌های تاریخی، ساختاری و فرهنگی این روابط است. به باور مالشوویچ، به جز جامعه‌شناسی زیستی و کارکردگرایی که در چهارچوب قدیمی‌گرایی به مسئله قومیت توجه کرده‌اند، دیگر نظریه‌های بزرگ جامعه‌شناسی چهارچوبی موقعیت‌گرایانه را برای تحلیل قومیت انتخاب کرده‌اند (مالشوویچ، ۱۳۹۱: ۲۱۳ - ۲۱۴).

یکی از ابعاد، رویکرد موقعیت‌گرایی ناظر بر نقش عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هویت‌طلبی قومی است. نظریه‌های سیاسی در مسائل قومی نقش عنصر قدرت و بی‌قدرتی را در تبیین این پدیده بررسی می‌کند. بر مبنای این نظریه‌ها اگر در جامعه فرصت دسترسی به منابع قدرت برای قومیتی کم شده باشد، این قومیت ممکن است در عکس‌العمل به این وضعیت سراغ هویت‌طلبی برود. یکی از صاحب‌نظران اصلی این رویکرد، مایکل هچتر است.

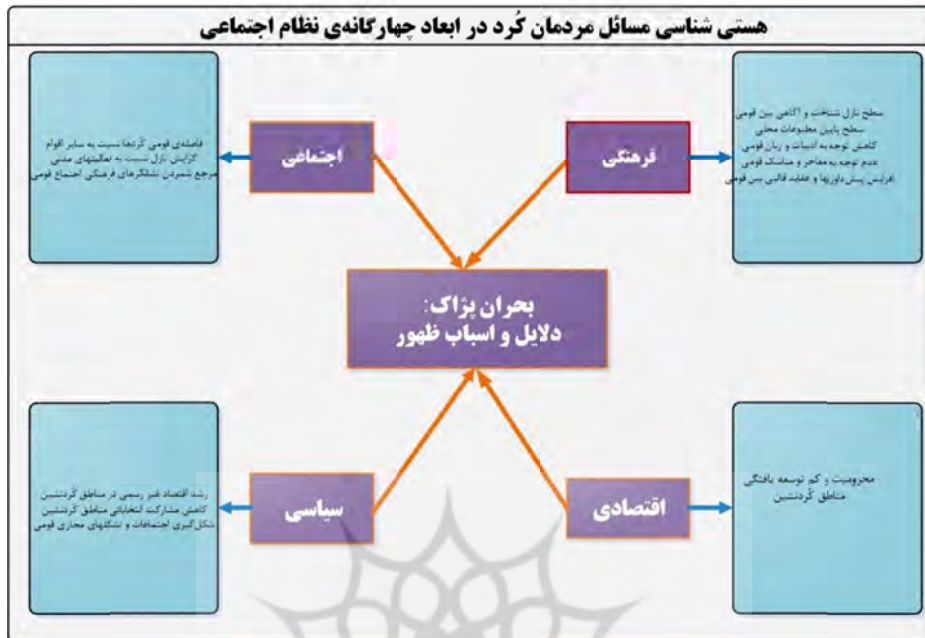
هیچتر (۱۹۷۵) هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت را در ارتباط با «استعمار داخلی» و «تقسیم فرهنگی کار» توصیف و تبیین کرده است. مطابق نظر او موج نامتوازن نوسازی در جامعه موجب می‌شود منابع قدرت بین گروه‌ها و اجتماعات مختلف جامعه به شکل نامتساوی توزیع شود؛ به طوری که در صورت بندی کلی اقلیت افراد از این منابع به صورت زیاد و بیشتر مردم از آنها به صورت کم برخوردار می‌شوند. اگر تفاوت‌های فرهنگی با نابرابری‌های اقتصادی عجین شود «تقسیم فرهنگی کار» پدیدار می‌شود و به تبع آن، جذب و ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در جامعه ملی به حداقل می‌رسد. ساختار قشربندی مذکور ممکن است از لحاظ حقوقی تضمین شود و دولت از طریق اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز، یعنی دسترسی متفاوت به نهادهای آموزشی و مذهبی نظام، نقش‌های اجتماعی ارزشمند را به اعضای اجتماعات محروم اختصاص ندهد. جایگاه گروهی در تقسیم فرهنگی کار بر فرصت‌های زندگی اعضای گروه اثر می‌گذارد و کم‌بودن کیفیت زندگی، احساس محرومیت شدید، تبعیض بر مبنای زبان، مذهب و دیگر اشکال فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. تقسیم فرهنگی کار به تمایزات فرهنگی صبغه عینی و سیاسی می‌بخشد. در این دیدگاه، همبستگی و چالش‌های قومی عکس‌العملی است که از جانب گروهی پیرامونی علیه استعمار مرکزی شکل می‌گیرد و این گروه از نظر فرهنگی مجزا هستند. هیچتر، با توجه به مبانی نظری مارکسیسم، دو شرط دیگر را برای ظهور همبستگی مشخص می‌کند: نخست، باید نابرابری‌های اقتصادی عمده‌ای بین افراد قوم وجود داشته باشد؛ به طوری که این افراد ممکن است آن را جزئی از الگوی ستم جمعی ببینند. این نابرابری اقتصادی به خودی خود برای ایجاد همبستگی جمعی کفایت نمی‌کند؛ زیرا احتمال دارد آگاهی اجتماعی همراه با آن و تعریف وضعیت به صورتی نامشروع و غیرعادلانه نیز وجود داشته باشد. از اینجا شرط دوم مطرح می‌شود: باید ارتباطات مناسبی بین اعضای گروه ستم‌دیده وجود داشته باشد (حاجی میر خان، ۱۳۹۰: ۶۵).

مانوئل کاستلز، در اثر سه جلدی ظهور جامعه شبکه‌ای، قدرت هویت و پایان هزاره با رویکردی جدید و با استناد به شواهدی از سراسر جهان، به گونه‌شناسی و دگرگونی‌های هویت‌های جمعی توجه کرده است. به تصور او ساخت اجتماعی هویت، همیشه در بستر روابط قدرت انجام می‌شود و یکی از صورت‌های هویتی هویت مقاومت است. این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که از طرف منطبق سلطه، یا در وضعیتی بی‌ارزش قرار دارند یا بر آن وضعیت داغ ننگ زده می‌شود. سوم، هویت برنامه‌دار است که فعالان اجتماعی آن را با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی به وجود می‌آورند و با توسل به آن، موقعیتشان را در جامعه

از نو تعریف می‌کنند. مطابق نظر او هویت مقاومت به ایجاد جماعت‌ها منجر می‌شود که در جامعه معاصر، مهم‌ترین شکل هویت‌سازی است. این هویت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند که در غیر این صورت، تحمل‌ناپذیر بودند. برای مثال، ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت که غالباً از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی بر می‌خیزد، از این موارد است. هویت برنامه‌دار نیز به ایجاد سوژه (فاعل) می‌انجامد (کاستلز، ۱۳۹۰: ۴۵-۵۰).

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس پیشینه تاریخی و علت‌های متفاوتی از جمله کم‌توانی و توسعه نیافتگی استان کردستان در دوران پهلوی‌ها و ایجاد بحران توسط گروهک‌های ضد انقلاب اسلامی ایران و همچنین تحریک و جوسازی قدرت‌های بزرگ مستعمر و نبودن همبستگی در دولت موقت و از سمت دیگر حمله ناجوانمردانه رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی و ایجاد شرایط جنگی در کشور، رویه امنیت محوری به طور طبیعی، محور و اساس مدیریت سیاسی کشور قرار می‌گیرد و جنبه پراهمیت دیگر به علت وجود برخی تبعیضات در سیاست‌های دولت، مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان در مداری منطقی و مناسب و اثربخشی قرار نگرفت، که حاصل آن احساس نابرابری و محرومیت و بروز برخی تنش‌ها، چالش‌ها و نارضایتی‌ها در منطقه کردستان بوده است.



شکل ۱. برخی از نارسائی‌های دولتی و حکومتی در قبال قوم کرد

در مفهوم بندی سیاست‌گذاری قومی هم باید گفت شناخت و مطالعه سیاست‌گذاری قومی از مجرای بررسی کلیه سازوکارها، ابزارها و روش‌هایی که دولت برای نیل به اهداف خود، به شکل اعلام شده یا غیر اعلامی به کار می‌بندد ممکن و میسر است. این سازوکارها ممکن است حقوقی و در لباس مجموعه قوانین و مقررات باشند یا رویکردهای سیاسی که در قالب اعمال روش‌های خاص مدیریتی، نهادسازی، ایجاد فرصت‌ها یا سلب امکان مشارکت برای گروه‌های قومی و مذهبی تجلی می‌یابند. سیاست قومی بسا در عرصه فرهنگ بروز و ظهور یابد یا در حوزه اقتصاد، سیاست و یا اجتماعیات تجلی پیدا کند که در مجموع اهداف کلی سیاست‌گذاری قومی، مدیریت بهینه قومیت‌ها در چارچوبی سیاسی است به طوری که اجماع ملی پایدار و فراگیر با حفظ آداب و رسوم و سنت‌های هر قوم شکل بگیرد و تداوم یابد. شکل‌دهی، نظم‌بخشیدن و سازمان‌دهی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای رسیدن به منافع و اهداف ملی است. وجود نداشتن سیاست‌های قومی کاری، حاذق و کار آزموده مسیر را برای انجام سلیقه‌های شخصی مسئولان و مدیران هم در حوزه کشوری و منطقه‌ای گشوده و باعث می‌شود که

بررسی نارسائی‌های حکومتی و ... (مهدی توسلی و دیگران) ۱۷۵

توزیع بهینه منابع به خوبی صورت نگیرد و در نتیجه بحران‌های قدرت، نفوذ و اقتدار بوجود آمده و زمینه‌های واگرایی در سطح ملی پدید آید.

در خاتمه باید گفت که ضعف در اجرای برخی سیاست‌های حقوق شهروندی، عدم نگاه جامع‌نگر، در محرومیت قرار دادن فرهنگی و اقتصادی خطه‌ای از کشور، گاهی به ظهور بحران و پیوستن افراد به گروه‌های ناصواب به عنوان راه برون رفت از این محدودیت‌ها، می‌انجامد. این موضوع نیز دامنه تبلیغات وسیعی را برای سرکردگان این گروه‌ها در قضیه یارگیری گروه‌هایی همچون پژاک از بین عامه مردم فراهم می‌آورد.

کتاب‌نامه

- احمدزاده، ه. (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: گونه‌ها و تعاریف، گاهنامه نویسا، شماره ۲: ۵۴-۳۷.
- ایرانی، آ. (۱۳۹۷). گروه تروریستی پژاک از آپوگرایی در ارتفاعات قندیل تا سودای کردستان بزرگ، انتشارات خبرگزاری فارس.
- بشیریه، ح (۱۳۷۴). دولت عقل، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- ترابی، ی. و مجیدی، ی. ع. (۱۳۹۳). «مدیریت شکافهای قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، س ۳، ش ۱۱، ص ۲۹-۹.
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۵). فرازوفرود جنبش کردی (۶۷-۱۳۵۵)، تهران: لوح فکر.
- چلبی، م. (۱۳۸۰). هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- حاجیانی، ا. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. جامعه‌شناسی ایران، ۹(۳ و ۴)، ۱۶۴-۱۴۳.
- سیدامامی، ک. (۱۳۷۹). «میزگرد سیر تحول تاریخی هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۵، ص ۶۷-۱.
- صالحی‌امیری، ر. (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عاملی، س. ر. و محمدخانی، ن. (۱۳۸۷). ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه‌ای ایرانی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱(۴)، ۶۶-۴۱.
- عبداللهی، م. و قادرزاده، ا. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق. مطالعات جامعه‌شناختی، ۳۶، ۲۵-۱.
- قاسمی، م. ع. (۱۳۸۱). «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- کاستلز، ا. (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: طرح نو.

- کریمی مله، ع. (۱۳۸۸). آینده‌شناسی هویت‌های جمعی تهران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- مالشویچ، س. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه: یعقوب احمدی و حسین محمدزاده، کرمانشاه: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مقصودی، م. (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، تهران: صاحب کوثر.
- مک‌داول، د. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانیند.
- مهرمند، ا؛ اشرفی سلطان احمدی، ح؛ عزیزی نژاد، ب؛ و ماندگار، ع. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری‌زبان شهر ارومیه. مطالعات امنیت اجتماعی، ۲۱، ۸۹-۱۲۰.
- میرزایی، س.آ. (۱۳۹۰). گرایش به ناسیونالیسم ایرانی در بین دانشجویان (رساله دکترا). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- نژندی‌منش، ه. (۱۴۰۰). تروریسم و حقوق بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- هی‌وود، ا. (۱۳۸۳). درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی (از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی)، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.

- Amirahmadi, H. (1987) "A Theory of Ethnic Collective Movements and Its Application to Iran", *Ethnic and Racial Studies*, 10(4):363-391.
- Giles, H. (1997) *Language, Ethnicity and intergroup relations*, London, European association of experimental social psychology.
- Guibernau, M. (2001) *Globalization and Nation-State*. In Guibernau, M & Hutchinson, j (Eds) *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity Press.
- Hechter, M. (1975) *Internal Colonialism: The Celtic Fringe in British Nional Development, 1536-1966*, London and Henley: Routledge & Kegan Paul.
- Koivunen, K. (2002) "Premodern People Using Postmodern Technology". The 5th Conference of The European Sociological Association. 192-288.
- Olson, R. (1989) *The Emergency of Kurdish Nationalism, and the Sheikh Said Rebellion*, University of Texas, Austin.
- Cochran, C. and Malone, E. (1995) *Public Policy: Prespectives and Choices*, New York: MacGraw Hill.
- Birkland, T. (2005) *An Introduction to Policy Process (2 Ed.)*, N. Y. :ME Sharp.